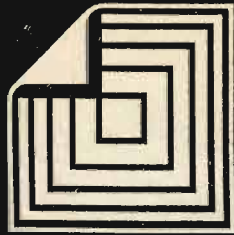




محمد رضا سرکارآرانی

مقالات



آموزش و پرورش

و توسعه

توشیوودوکوا یکی از بنیانگذاران ژاپن امروز، نقش سازنده و بارورکننده و رشد دهنده انسان و آموزش و پرورش را در توسعه اقتصادی و اجتماعی چنین بیان می‌کند:

ما نه هیچ منبعی طبیعی داریم و نه هیچ قدرت نظامی، ما فقط یک منبع در اختیار داریم، ظرفیت ابداع مغزهایمان، این منبع پایان‌ناپذیر است، باید آن را بسط داد، تربیت کرد، تمرین داد، مجهز ساخت. این قدرت دماغی خواه ناخواه در یک آینده نزدیک گرانبهاترین و خلاقترین ثروت مشترک همه بشریت خواهد بود.

آموزش و پرورش ایران در شرایط فعلی دچار دشواریهای جدی است. به جهت وام‌گیری اصول، هدفها، محتوا و برنامه‌های بررسی نظام آموزش و پرورش در مدت ۴۰ سال از مغرب زمین آموزش و پرورش هماهنگی و سازگاری لازم با نظام ارزشها و نیازهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران به ویژه پس از انقلاب اسلامی را نداشته و به این جهت، مشکلات زیادی در راه اثربخشی نظام آموزش و پرورش بوجود آمده است. به علاوه افزایش جمعیت و ضرورت رساندن خدمات آموزش و

پرورش به همه افراد در بیشتر موارد کیفیت را تحت تأثیر کمیت قرار داده و حتی در برخی زمینه‌ها در کمیت نیز موفقیت مورد انتظار کسب نشده است. این بیشتر به جهت آن است که دولت علی‌رغم اختصاص بیش از یک پنجم بودجه عمومی کشور به آموزش و پرورش در تأمین منابع مالی آموزش و پرورش دچار تنگنا می‌باشد. کمبود امکانات مالی، جذب افراد سنی ۶-۱۱ ساله را در آموزش اجباری و همگانی، جذب معلمان کارآمد و تأمین آنها، هدایت تحصیلی اثربخش و کارآیی آموزش دبیرستان، تحول در شیوه‌های آموزش و پرورش و یادگیری مبتنی بر تجربه، فهم و بصیرت، کاهش میزان افت تحصیلی و ترک تحصیل و پیشگیری از اتلاف سرمایه‌گذارهای انجام شده، توزیع عادلانه امکانات و توجه لازم به استعدادهای منطقه‌ای و نیازها و شرایط اقلیمی را دچار دشواریهای بسیار ساخته است.^۱

بر اساس اطلاعات حاصل از مرکز آمار ایران، تعداد کودکان شش تا ده ساله (لازم‌التعلیم) در سال ۱۳۳۵ برابر با ۲/۶ میلیون نفر و در سال ۱۳۴۵ بالغ بر ۴ میلیون نفر بوده است. جمعیت این گروه سنی در سال ۱۳۵۵ به ۵ میلیون نفر و در سال ۱۳۶۵ به

۷/۳ میلیون نفر رسیده است. اما از این تعداد در سال ۱۳۶۵ تنها ۷۸ درصد آنها تحت پوشش آموزش و پرورش قرار داشته و ۲۲ درصد دیگر به عللی به مدارس راه نیافته‌اند. یعنی از مجموع ۱۱ میلیون و ۷۶ هزار و ۵۵۴ نفر کودک لازم‌التعلیم به احتساب تعداد افرادی که توسط نهضت سوادآموزی باسواد شده‌اند یک میلیون ۹۱۴ هزار و ۸۰۵ نفر از آنها از نعمت سواد محروم بوده‌اند به تعبیری در سال ۱۳۶۵ بیش از یک هفتم کودکان لازم‌التعلیم در شهرها و یک سوم نیز در روستاها آموزش رسمی کشور محروم بوده‌اند.^۲

آمار نشان می‌دهد که تعداد افراد لازم‌التعلیم بازمانده از تحصیل در سال ۶۹-۱۳۷۰، ۲/۳ میلیون نفر و در سال تحصیلی ۷۱-۱۳۷۰، ۲/۵ میلیون نفر خواهد بود. به این ترتیب هر ساله به تعداد کودکان لازم‌التعلیم بازمانده از تحصیل افزوده می‌گردد. دقت در آمار فوق نشان می‌دهد که تعداد کودکان لازم‌التعلیم بازمانده از تحصیل در سال تحصیلی ۷۱-۱۳۷۰، ۱/۵ میلیون (تقریباً مساوی است با تعداد کودکان لازم‌التعلیم سال ۱۳۳۵) ۱/۶ میلیون). افزایش جمعیت و مشکلات مالی عدم مشارکت و رغبت جدی مردم در تأمین بخشی از منابع مالی آموزش و پرورش به جهت نگرش محدود نسبت به اهمیت ضرورت و جایگاه آموزش و پرورش و کارآیی محدود نظام آموزش و پرورش و عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بسیاری موجبات بازماندگی از تحصیل ۱/۵ میلیون کودک لازم‌التعلیم را فراهم ساخته است. این در حالی است که فقط در طی سالهای تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ تا ۷۲-۱۳۷۱ جمعیت دانش‌آموزان کشور به دو برابر افزایش یافته است.

جدول ۱ تغییرات کمی تعداد دانش‌آموزان سطوح مختلف تحصیلی را طی سالهای تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ تا ۷۲-۱۳۷۱ نشان می‌دهد.

جدول ۱ - تغییرات کمی تعداد دانش‌آموزان در سطوح مختلف تحصیلی در سالهای تحصیلی

۱۳۷۱-۷۲ و ۱۳۵۷-۵۸

سال تحصیلی ۱۳۷۱ - ۷۲	سال تحصیلی ۱۳۵۷ - ۵۸	دوره تحصیلی
۹۹۳۷۳۶۹ نفر	۵۰۱۹۲۷۹ نفر	آموزش ابتدایی
۳۹۹۹۵۱۴ نفر	۱۵۳۵۲۶۳ نفر	آموزش راهنمایی تحصیلی
۲۲۷۵۲۳۰ نفر	۱۰۷۵۳۱۳ نفر	آموزش متوسطه
۶۱۲۸۸۷ نفر	۶۷۰۸۳۴ نفر	سایر دوره‌ها

تحصیلی از سال ۶۱-۱۳۶۰ تا ۷۲-۱۳۷۱ یعنی طی ۱۲ سال نشان داده شده است. هدف از ارائه اطلاعات فوق نشان دادن وضعیت گذر تحصیلی دانش‌آموزان از یک پایه تحصیلی به پایه بالاتر و نیز گذر تحصیلی دانش‌آموزان در مقاطع تحصیلی (گذر از دوره ابتدایی به دوره راهنمایی تحصیلی و نیز گذر از دوره راهنمایی تحصیلی به دوره متوسطه) است.^۲

همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود، دانش‌آموزانی که سال تحصیلی ۶۱-۱۳۶۰ در پایه اول دوره ابتدایی ثبت نام کرده‌اند، بدون اینکه پایه‌ای را تکرار کنند، پس از ۱۲ سال تحصیلی در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در سال تحصیلی ۷۲-۱۳۷۱ در پایه چهارم متوسطه به تحصیل اشتغال خواهند داشت. به این سبب ۹۶۰۴۵۶ نفر (۶۹/۴۱٪) از ۱۳۸۳۷۷۰ نفر دانش‌آموزی که پایه اول ابتدایی را در سال ۶۱-۱۳۶۰ آغاز کرده

دانش‌آموزان، در واقع بیان‌کننده میزان کارایی درونی نظام آموزش و پرورش است.

جدول ۲ تغییرات کمی دانش‌آموزان سطوح تحصیلی بر اثر گذر از پایه‌های تحصیلی طی سالهای ۶۱-۱۳۶۰ الی ۷۲-۱۳۷۱ را نشان می‌دهد. تعداد دانش‌آموزان دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه اعم از متوسط عمومی و فنی و حرفه‌ای به تفکیک پایه

افت تحصیلی خسارت بسیار سهمگین و غیرقابل جبرانی است که نظام آموزش و پرورش فعلی با آن دست به گریبان است. این مشکل علاوه بر اینکه موجب اتلاف بخش قابل توجهی از سرمایه کشور و بودجه آموزش و پرورش می‌شود، اثرات ناگوار اجتماعی و روانی برای افراد، خانواده‌ها و جامعه به همراه دارد. میزان افت تحصیلی و ترک تحصیل در مقایسه با نرخ ارتقای

جدول ۲ - تغییرات کمی دانش‌آموزان سطوح تحصیلی بر اثر گذر از پایه‌های تحصیلی طی سالهای ۶۱-۱۳۶۰ الی ۷۲-۱۳۷۱

سال تحصیلی	دوره ابتدایی					دوره راهنمایی تحصیلی			دوره متوسطه			
	پایه اول	پایه دوم	پایه سوم	پایه چهارم	پایه پنجم	پایه اول	پایه دوم	پایه سوم	پایه اول	پایه دوم	پایه سوم	پایه چهارم
۱۳۶۰-۶۱	۱۳۳۷۷۰	۱۱۵۵۷۳۲	۱۰۱۷۴۰	۸۴۳۲۷۳	۸۸۳۴۶۲	۶۸۲۵۹۷	۵۵۳۲۰۴	۵۱۴۰۷۶	۲۶۵۵۱۶	۲۹۲۲۹۵	۲۶۱۵۴۹	۲۶۷۰۷۰
۱۳۶۱-۶۲	۱۵۲۲۹۵۴	۱۱۸۲۵۴۳	۱۰۵۱۸۰۲	۹۷۳۲۱۴	۸۶۲۲۹۶	۷۴۴۵۵۵	۵۱۷۳۳۲	۴۵۵۲۰۰	۲۸۶۱۹۴	۲۳۰۸۹۳	۲۲۳۸۴۶	۲۳۵۵۱۰
۱۳۶۲-۶۳	۱۶۰۷۶۷۱	۱۲۷۶۸۳۱	۱۱۱۰۰۹۲	۱۰۳۹۰۰۶	۹۶۰۸۰۳	۷۶۹۹۳۵	۵۸۷۶۷۲	۴۶۰۰۴۶	۳۵۰۸۸۱	۲۴۶۱۸۷	۱۹۸۰۵۸	۲۲۰۰۶۲
۱۳۶۳-۶۴	۱۶۵۱۱۱۸	۱۳۴۳۹۰۴	۱۲۱۰۲۶۶	۱۱۰۸۸۶۴	۱۰۲۹۱۴۸	۸۷۱۱۸۸	۶۳۴۴۷۷	۵۱۵۶۵۵	۳۷۶۵۸۴	۲۷۷۸۰۶	۲۱۹۴۸۵	۲۰۶۳۸۲
۱۳۶۴-۶۵	۱۸۲۸۸۶۸	۱۳۹۷۱۲۷	۱۲۶۸۳۰۰	۱۲۱۲۲۲۹	۱۰۸۱۷۹۹	۹۶۳۸۵۵	۶۸۷۸۰۱	۵۵۸۵۸۶	۴۱۲۱۶۸	۳۰۹۰۸۱	۲۴۴۶۲۶	۲۳۳۶۸۰
۱۳۶۵-۶۶	۱۸۷۶۰۱۳	۱۵۴۶۲۵۲	۱۳۱۴۰۲۴	۱۲۸۸۳۵۰	۱۲۰۸۱۸۱	۹۶۰۴۵۶	۷۲۴۰۰۵	۶۰۹۶۴۹	۴۱۷۷۳۰	۳۳۶۶۲۳	۲۶۸۱۰۶	۲۵۵۶۴۲
۱۳۶۶-۶۷	۱۹۹۷۱۰۸	۱۶۴۸۲۵۱	۱۴۶۱۲۶۷	۱۳۶۴۲۵۵	۱۲۸۶۸۲۶	۱۰۵۷۲۲۵	۷۷۷۶۶۹	۶۶۱۷۲۲	۴۹۴۶۲۶	۳۴۹۶۱۱	۲۹۹۲۸۸	۲۳۷۳۹۶
۱۳۶۷-۶۸	۲۰۷۴۷۶۴	۱۷۷۲۴۰۵	۱۵۵۷۳۶۲	۱۵۰۲۱۴۰	۱۳۵۵۷۷۰	۱۰۸۶۰۵۶	۹۶۹۳۳۱	۶۹۳۶۰۰	۵۶۳۳۶۵	۴۱۶۰۹۲	۳۱۹۶۱۱	۲۷۴۹۵۲
۱۳۶۸-۶۹	۲۱۴۴۳۸۹	۱۸۸۷۸۴۶	۱۶۸۹۰۷۰	۱۶۱۵۵۶۵	۱۴۸۰۲۷۵	۱۱۸۵۳۰۴	۹۶۵۵۰۴	۸۴۴۹۸۷	۵۹۷۵۵۸	۴۴۲۹۶۳	۳۵۹۷۷۸	۲۷۲۳۴۸
۱۳۶۹-۷۰	۲۲۵۷۷۵۶	۱۹۵۳۰۸۰	۱۷۹۵۱۵۲	۱۷۴۵۱۰۷	۱۶۱۸۵۵۰	۱۳۳۰۳۰۲	۱۰۰۷۹۰۸	۸۹۴۴۷۲	۶۷۸۰۰۶	۴۵۷۲۷۶	۳۸۴۱۴۷	۳۰۲۵۸۷
۱۳۷۰-۷۱	۲۲۷۸۴۷۲	۲۰۶۷۸۳۴	۱۸۴۰۲۰۱	۱۸۵۱۱۷۴	۱۷۴۹۹۱۲	۱۴۷۲۵۸۹	۱۱۴۸۹۲۲	۹۲۰۰۶۷	۷۹۳۳۴۸	۵۰۲۸۰۳	۳۹۸۲۶۸	۳۳۶۵۷۱
۱۳۷۱-۷۲	۲۱۵۴۴۵۲	۲۱۰۳۸۰۱	۱۹۶۱۷۱۷	۱۸۷۸۷۴۰	۱۸۳۸۷۵۹	۱۶۰۴۴۹۹	۱۳۳۲۵۰۴	۱۰۶۲۵۰۹	۸۷۷۶۴۸	۵۷۹۳۶۹	۴۵۰۰۶۹	۳۶۸۱۴۴

جدول ۳ - عدم تعادل‌های آموزشی در سطح جهانی بر اساس گزارش توسعه انسانی

کشور	درصد ثبت‌نام کنندگان در کلاس اول که دوره ابتدایی را تمام نمی‌کنند	نسبت شاگرد به معلم در دوره ابتدایی و متوسطه	ثبت نام دوره متوسطه فنی به عنوان درصدی از کل ثبت نام دوره	هزینه آموزش و پرورش درصدی از GNP
ایران	۱۷	۲۶	۵/۶	۳/۵
الجزایر	۱۰	۲۸	۴/۹	۶/۱
سوریه	۳۳	۲۶	۶/۲	۵/۷
عربستان	۱۰	۱۶	۱/۹	۱۰/۶
چین	۳۲	۲۴	۷	۲/۷
لیبی	۱۸	۱۷	۸/۳	۱۰/۱
ترکیه	۱۵	۳۱	۲۱/۵	۲/۱
اردن	۴	۳۰	۹/۳	۵/۱
سنگاپور	۵	۲۷	۴/۸	۵/۲
کره جنوبی	۱	-	۱۶/۸	۴/۹
یونان	۱	۲۳	۱۲/۶	۲/۵
ایتالیا	۱	۱۴	۳۳/۹	۴
دانمارک	۱	۱۱	۳۰/۹	۷/۵
فرانسه	۵	۱۹	۲۶	۵/۹
ژاپن	۱	۲۳	۱۲/۶	۵
سوئد	-	۱۶	۳۲/۸	۷/۶
نروژ	۱	۱۶	۲۷/۶	۶/۸

بودند، پس از ۵ سال تحصیل در دوره ابتدایی در سال تحصیلی ۶۶-۱۳۶۵ به پایه اول دوره راهنمایی تحصیلی راه یافته‌اند. همین دانش‌آموزان پس از ۸ سال تحصیل، یعنی طی دوره‌های ابتدایی و راهنمایی تحصیلی به ۵۹۷۵۵۸ نفر (۴۳/۱۹٪) کاهش یافته‌اند و به پایه اول دوره متوسطه وارد شده‌اند. در آخرین پایه دوره متوسطه (پایه چهارم) فقط ۳۶۸۱۴۴ نفر (۰/۲۶/۱۶) از دانش‌آموزانی که در سال ۶۱-۱۳۶۰ دوره ابتدایی را آغاز کرده بودند مشغول تحصیل هستند. با این فرض که ۷۵٪ دانش‌آموزان پایه چهارم متوسطه در امتحانات مربوط قبول شوند (آمار مربوط فعلاً جمع‌آوری نشده است) از ۱۳۸۳۷۷۰ نفر دانش‌آموزی که از طریق ثبت نام در پایه اول ابتدایی وارد نظام آموزش شده‌اند، تنها ۲۷۶۰۰۰ نفر (کمتر از ۲۰٪) طی ۱۲ سال تحصیلی به اخذ مدرک تحصیلی نایل خواهند شد.

برای روشن‌تر شدن وضعیت موجود آموزش و پرورش کشور برخی شاخصهای آموزش و پرورش را به صورت مقایسه میان ایران و سایر کشورهای جهان مورد بررسی قرار می‌دهیم. جدول ۳ بر اساس گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۰ برنامه عمران سازمان ملل (UNDP) تهیه شده است و نرخ افت تحصیلی دوره ابتدایی، نسبت شاگرد به معلم در دوره ابتدایی و متوسطه، میزان ثبت‌نام در دوره آموزش فنی و حرفه‌ای به نسبت کل آموزش متوسطه و سهم هزینه‌های آموزش و پرورش از تولید ناخالص ملی GNP را در ایران و سایر کشورهای جهان نشان می‌دهد.

بر اساس اطلاعات این جدول (۳) در حالی که بسیاری از کشورهای توسعه یافته بیش از ۵ درصد از تولید ناخالص ملی خود را به آموزش و پرورش اختصاص داده‌اند. در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران حدود ۳ تا ۳/۵ درصد از تولید ناخالص ملی به آموزش و پرورش اختصاص یافته است. با در نظر گرفتن میزان تولید ناخالص ملی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و جمعیت کشورهای، تفاوت

اجتماعی دارای اهمیت بسیار است میزان بی‌سوادی افراد جامعه است به ویژه میزان بی‌سوادی افراد ۱۵ سال به بالای کشور که به عنوان نیروهای فعال جامعه محسوب می‌گردند. بهره‌مندی نیروی کار و فعال جامعه از حداقل دانش عمومی امکان انتقال دانش فنی را فراهم می‌سازد و این امر عوامل لازم برای تحول در مبانی تولید و شیوه‌های بهینه‌سازی امکانات و بهره‌وری از عوامل تولید را فراهم می‌سازد. به علاوه با انتقال دانش فنی و ترویج آموزشهای علمی و کاربردی بر اساس آموزشهای عمومی امکان انتقال تکنولوژی و بهره‌گیری بیشتر از آن برای نیروی انسانی شاغل بوجود می‌آید. این همه توسعه اقتصادی و اجتماعی را

میزان سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش میان این دو گروه دو چندان جلوه می‌نماید. به علاوه در کشورهای توسعه یافته معمولاً بیش از ۹۵ درصد دانش‌آموزان، دوره آموزش ابتدایی را طی می‌کنند و بیش از ۱۵ درصد و گاهی تا ۳۰ درصد دانش‌آموزان دوره دبیرستان در آموزشهای فنی و حرفه‌ای مشغول تحصیل اند و این در حالی است که در ایران ۱۷ درصد دانش‌آموزان دوره ابتدایی به پایین این دوره نمی‌رسند و فقط ۵/۶ درصد دانش‌آموزان دوره دبیرستان در آموزشهای فنی و حرفه‌ای مشغول تحصیل هستند.

شاخص مهم دیگری که در زمینه آموزش و پرورش و در ارتباط با توسعه اقتصادی و

جدول ۴ - درصد بیسوادی جمعیت ۱۵ سال به بالا در کشورهای مختلف جهان به

تفکیک جنس در سال ۱۹۹۰

کشور	گروه سنی	درصد بیسوادان به تفکیک جنس	
		مرد	زن
سنگال	۱۵+	۴۸/۱	۷۴/۹
سومالی	۱۵+	۶۳/۹	۸۶
برزیل	۱۵+	۱۷/۵	۲۰/۲
ونزوئلا	۱۵+	۱۳/۳	۱۰/۴
بنگلادش	۱۵+	۵۲/۹	۷۸
افغانستان	۱۵+	۵۵/۹	۸۶/۱
چین	۱۵+	۱۵/۹	۳۸/۲
اندونزی	۱۵+	۱۵/۹	۳۲
هند	۱۵+	۳۸/۲	۶۶/۳
ایران	۱۵+	۳۵/۵	۵۶/۷
عراق	۱۵+	۳۰/۲	۵۰/۷
پاکستان	۱۵+	۵۲/۷	۷۸/۹
ترکیه	۱۵+	۱۰/۳	۲۷/۹
ایتالیا	۱۵+	۲/۲	۳/۶
کوبا	۱۵+	۵	۷
آرژانتین	۱۵+	۴/۵	۴/۹
جمهوری کره	۱۵+	۰/۹	۶/۵
کویت	۱۵+	۲۲/۹	۳۳/۳
فیلیپین	۱۵+	۱۰	۱۰/۵
هلند (۱۹۷۸)	۱۵+	۰/۷	۱/۷
اسپانیا	۱۵+	۲/۵	۵/۸

و پرورش و در نهایت برنامه‌ریزی‌های آموزشی برای هدایت سرمایه‌گذاری‌های آموزش و پرورش تبیین می‌شود. و بار دیگر بر این نکته مهم تأکید می‌کند که اثر بخش‌ترین شکل سرمایه‌گذاری در درازمدت و مهم‌ترین عامل تضمین استقلال فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هر جامعه، سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش است.

بنابراین همانطور که قبلاً نیز بیان شد آموزش و پرورش اساسی‌ترین نقش را در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از طریق ایجاد محیط و فرهنگ مناسب برای توسعه و تربیت نیروی انسانی ماهر و ایجاد شیوه‌های مدرن کسب، انتقال، گسترش و توسعه دانش فنی و نظری از جهان توسعه یافته ایفا می‌کند.

دستیابی به توسعه اقتصادی بدون سرمایه‌گذاری در امر آموزش ممکن نیست. لذا، باید در کنار توسعه، منابع مادی به تحول منابع انسانی نیز مبادرت نمود.

آینده توسعه جهانی و جایگاه هر کشور در جهان، منوط به ایجاد ظرفیت بالا در کسب، نگهداری و ارتقای سطح علم و دانش نیروی انسانی آن کشور است و این ظرفیت وابسته به جمعیت تحصیل کرده آن کشور است.^{۱۱}

شولتر^{۱۲} در زمینه عوامل عقب‌ماندگی کشورهای جهان سوم به این نتیجه می‌رسد که فقدان آموزش و پرورش کافی، عامل عمده، نارسائیه‌ها و کمبودها در توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه می‌باشد.^{۱۳}

مطالعات هیگز^{۱۴} وجود رابطه میان رشد اقتصادی و توسعه منابع انسانی را که به وسیله سطح سواد و امید به زندگی اندازه‌گیری می‌شود، مورد تأکید قرار می‌دهد. بر اساسی این مطالعه، سه متغیر نرخ سرمایه‌گذاری، نرخ رشد واردات و سطح توسعه منابع انسانی در سال ۱۹۶۰ بر روی هم حدود ۶۰ درصد از تغییرات نرخ‌های رشد درآمد سرانه را در کشورهای در حال توسعه بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۷ توضیح می‌دهد.^{۱۵}

برای روشن شدن این واقعیت که آموزش

گسترش آموزش‌های همگانی و بزرگسالان با توسعه اقتصادی و اجتماعی را تبیین می‌کند.^{۱۶}

گسترش و تعمیم آموزش و پرورش مهمترین استراتژی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

مطالعه و تعمق در مجموعه عوامل و استراتژی‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و به علاوه بررسی دقیق علل و موانع توسعه ایران در گذر تاریخی تحولات صنعتی، اقتصادی و اجتماعی، نقش آموزش

سرعت می‌بخشد.

بر این اساس می‌توان سوادآموزی و آموزش بزرگسالان را یکی از عوامل عمده توسعه اقتصادی و اجتماعی به حساب آورد. از دلایل اولیه عقب‌ماندگی کشورهای در حال توسعه درصد نسبتاً بالای بی‌سوادی این کشورها است.

جدول ۴ برآورد درصد بی‌سوادی در ایران و در بعضی از کشورهای جهان را در سال ۱۹۹۰ نشان می‌دهد و به طور ضمنی ارتباط میان تعمیم آموزش و پرورش عمومی و

● کشورهای توسعه یافته سال‌هاست که به این رمز حیاتی پی برده‌اند و امروزه این باور را تعبیر می‌دهند که بهترین سرمایه‌ای که می‌توان به نسل‌های آینده اهدا کرد و مطمئن‌ترین شیوه‌ای که می‌تواند فرآیند ترقی را در آینده تضمین نماید، آموزش و پرورش است که اندیشه‌های آنان را غنی سازد ظرفیت‌های ذهنی و افق‌های دید را گسترش بخشد و توان ابداع و خلق را بیش از پیش افزایش دهد و این نهایت سرمایه و قدرت است. زیرا هر توسعه‌ای از انسان آغاز می‌شود.

ج - آموزش برای توسعه کشاورزی
 ذ - آموزش زنان
 ه - آموزش بزرگسالان
 و - برنامه‌ریزی آموزش رسمی (تعیین سهم برنامه‌های آموزش ابتدائی، متوسطه و عالی و تعیین اولویت‌ها)
 ۸) آموزش برای تخصص‌های حرفه‌ای محدود (کارگر متخصص)، (آموزش‌های علمی - کاربردی)
 ۹) تربیت آموزگار
 ۱۰) اداره سیاست آموزش (تفکیک وظایف مجریان امر آموزش از سیاست‌گذاران برنامه‌های آموزشی)
 و به عنایت به اهمیت نیروی انسانی برای بهینه‌سازی این نیرو راه‌های زیر پیشنهاد شده است:
 ۱) بهینه‌سازی هزینه‌های انسانی
 ۲) تغییر در تخصیص هزینه‌های اجتماعی
 ۳) تغییر ساختار بودجه، دولت‌ها
 ۴) کارآئی و صرفه‌جویی در هزینه‌ها
 ۵) استراتژی‌های سیاسی (ساختار سیاسی مناسب - نبودن حکمفرمایان دارای منافع خصوصی و دیوانسالاری ناهنجار، نبودن گروه‌های صاحب نفوذ)
 با توجه به آنچه در این بخش و سایر مباحث قبل بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که آموزش و پرورش کلید گشودن دشواری‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نو سازی جامعه است.
 در رویارویی با فرهنگ بیگانه، کسب و جذب دانش فنی، تجهیز صنایع و تولید به ابزار فنی مدرن و تربیت نیروی انسانی متخصص و اندیشمند و خلاق، باید به آموزش و پرورش روی آورد و لذا آموزش

از آموزش‌های دوره ابتدائی را گذرانیده باشند تأثیر سرمایه‌گذاری در بذور اصلاح شده، آبیاری و کود از نظر افزایش بازده بیشتر است.^{۱۱}
 نقش و جایگاه آموزش و پرورش در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن را به عنوان مهم‌ترین استراتژی توسعه کشورهای جهان سوم در آورده است و لذا باید بیش از پیش اهمیت آن شناخته شود و در عمل مورد توجه بیشتری قرار گیرد و با برنامه‌ریزی‌های کارآمد آموزشی مجموعه امکانات مادی و غیرمادی در یک تجزیه و تحلیل منطقی نظام‌مدار برای تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه هدایت و به کار گرفته شود.
 بر این اساس «لیونینگستون در کتاب سیاست اجتماعی در کشورهای در حال توسعه»^{۱۲} عامل را برای استراتژی توسعه کشورهای جهان سوم برمی‌شمرد:^{۱۳}
 ۱) گسترش سوادآموزی (مبارزه با بی‌سوادی بزرگسالان، گسترش امکانات آموزش ابتدائی)
 ۲) توجه به یکی از سطوح آموزش و توجه به آموزش فنی، حرفه‌ای
 ۳) توجه به نیروی انسانی مورد نیاز کشور و برنامه‌ریزی در این خصوص
 ۴) تطبیق محتوای مطالب آموزشی با نیازهای جامعه
 ۵) ممانعت از خرابکاری مدیرانی که به توسعه کشور بی‌توجه‌اند
 ۶) ممانعت از سرخوردگی تحصیلکرده‌ها
 ۷) انواع آموزشی‌های مورد نیاز کشورهای جهان سوم
 الف - آموزش برای توسعه صنعتی
 ب - آموزش مدیران

و دیگر شاخص‌های توسعه منابع انسانی هم علت و هم معلول توسعه اقتصادی هستند. ویلر^{۱۴} (۱۹۸۰) یک مدل صوری^{۱۵}، را طرح‌ریزی نمود و آن را برای ۸۸ کشور در حال توسعه مورد استفاده قرار داد در این مدل صوری اثر و تأثیر میان رشد و توسعه منابع انسانی در طی زمان مورد توجه قرار گرفته و کوشش شده که علت و معلول از یکدیگر جدا گردند. آزمایش‌های انجام شده توسط این مدل روشن کرد که آموزش، بهداشت و تغذیه نه تنها به طور مستقیم، بلکه به طور غیر مستقیم نیز از طریق افزایش نرخ سرمایه‌گذاری و کاهش نرخ زاد و ولد به رشد تولید کمک می‌کند این رابطه برای آموزش در مقایسه با امید زندگی که در دهه ۱۹۶۰ رابطه نزدیکی با رشد اقتصادی داشته قویتر است. بر اساس یافته‌های ویلر به طور متوسط افزایش به میزان ۲۰ تا ۳۰ درصد در نرخ سوادآموزش سبب می‌شود تا محصول ناخالص داخلی بین ۸ تا ۱۶ درصد افزایش یابد.
 در تحلیلی مشابه ماریس^{۱۶} (۱۹۸۲) پس از بررسی اطلاعات موجود برای ۶۶ کشور در حال توسعه به این نتیجه رسید که نه تنها آموزش قویاً روی رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد بلکه سرمایه‌گذاری‌های عمومی وقتی همراه با سرمایه‌گذاری‌های آموزشی نباشند تأثیر کمتری بر رشد اقتصادی خواهند داشت. مطالعات دیگر نیز نشان داده است که سرمایه‌گذاری آموزشی مکمل سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی است، بررسی بانک جهانی در مورد رابطه میان آموزش و بهره‌کشاورزان (جامیلیسون و لائو)^{۱۷} نشان می‌دهد که وقتی کشاورزان حدود چهارسال



پرورش باید عنوان یک نوع سرمایه‌گذاری درازمدت و حیاتی، اساس کلیه سیاست‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تلقی گردد و به عنوان مهمترین استراتژی ملی مورد استقبال همگان قرار گیرد.

تجربه ژاپن و بسیاری از کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به ویژه در چهار دهه، اخیر قرن بیستم توجه و سرمایه‌گذاری وسیع در آموزش و پرورش بوده است. به طوری که بیشترین پژوهش‌هایی که تاکنون در خصوص علل و عوامل موفقیت اعجاب‌انگیز ژاپن امروز نگاشته شده به نقش کلیدی توسعه و تعمیم آموزش و پرورش در توسعه، امروز ژاپن پرداخته و نتیجه زیر را مورد تأیید قرار داده است.^{۳۳}

آن دانش، گسترش یافته است. تحلیل‌گران غالباً برای عامل قابلیت اجتماعی در جذب دانش خارجی نقش محوری و تعیین‌کننده‌ای در رشد اقتصادی قایل شده‌اند.^{۳۳}

مطالعه عمیق میزان و علل پیشرفت اقتصادی و اجتماعی ژاپن نقش سازنده و حیاتی آموزش و پرورش را نمایان می‌سازد. چرا که این توسعه چشمگیر از طریق آموزش و پرورش عمومی، شناخت، شکوفایی و هدایت استعدادها صورت گرفته است. تجربه ژاپن بار دیگر این واقعیت را اثبات نمود که معنای واقعی توسعه را باید در افکار و شخصیت انسان‌ها جستجو کرد. چرا که بدون رشد انسان، پیشرفت اقتصادی و صنعتی و حتی اجتماعی امکان‌پذیر نخواهد بود. توسعه امکانات و تحول اقتصادی هر جامعه به میزان زیادی به رشد، شکوفایی و هدایت مطلوب استعدادهای عموم افراد آن جامعه بستگی دارد و این مهم فقط با برنامه‌ریزی‌های دقیق و منطقی آموزشی در قالب برنامه‌های جامع توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محقق می‌شود.

این اصل اساسی نه تنها برای دیروز کشورهای توسعه یافته و امروز کشورهای در حال توسعه مصداق دارد بلکه به عنوان شرط اسای حفظ موقعیت برتر اقتصادی

پرورش باید عنوان یک نوع سرمایه‌گذاری درازمدت و حیاتی، اساس کلیه سیاست‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تلقی گردد و به عنوان مهمترین استراتژی ملی مورد استقبال همگان قرار گیرد.

تجربه ژاپن و بسیاری از کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به ویژه در چهار دهه، اخیر قرن بیستم توجه و سرمایه‌گذاری وسیع در آموزش و پرورش بوده است. به طوری که بیشترین پژوهش‌هایی که تاکنون در خصوص علل و عوامل موفقیت اعجاب‌انگیز ژاپن امروز نگاشته شده به نقش کلیدی توسعه و تعمیم آموزش و پرورش در توسعه، امروز ژاپن پرداخته و نتیجه زیر را مورد تأیید قرار داده است.^{۳۳}

عامل کلیدی در رشد اقتصادی کشور (ژاپن) توسعه، اکتساب، جذب و همگونی‌سازی و سپس توسعه بیشتر دانش تکنولوژیکی بوده است. در اکثر موارد، هسته اصلی دانش تکنولوژیکی نخست از خارج وارد شده است و پس از جذب وضم این دانش به طور کمال و تمام در یک پروسه، تولیدی کارآمد، به بهینه‌سازی و رشد

بر این اساس در کتاب رویارویی بزرگ اثر لستر تارو^{۳۳} می‌خوانیم:

باور رایج این است که هفت صنعت کلیدی چند دهه، آینده عبارتند از: میکروالکترونیک، بیوتکنولوژی، صنایع تولید مواد جدید، هوانوردی غیر نظامی، مخابرات، رباتها با ماشین‌افزار و کامپیوترها با نرم‌افزار آن. همه اینها صنایع متکی بر نیروی مغزی هستند. هر یک از این صنایع می‌تواند در هر جای دنیا مستقر گردد، حال در عمل این صنایع در کجا مستقر خواهند شد بستگی دارد که چه کسی بتواند نیروی مغزی در کجا مستقر خواهند شد بستگی دارد که چه کسی بتواند نیروی مغزی را برای استقرار آنها سازمان دهد. در قرن‌های پیش روی ماست مزیت نسبی را انسان می‌آفریند. از آنجا که پشت سر مزیت انسان ساخته

دانش فنی خوابیده است تحقیق و توسعه اهمیت حیاتی خواهد یافت.

کشورهای توسعه یافته سال‌هاست که به این رمز حیاتی پی برده‌اند و امروزه این باور را تعمیم می‌دهند که بهترین سرمایه‌ای که می‌توان به نسل‌های آینده اهدا کرد و مطمئن‌ترین شیوه‌ای که می‌تواند فرآیند ترقی را در آینده تضمین نماید، آموزش و پرورش است که اندیشه‌های آنان را غنی سازد، ظرفیت‌های ذهنی و افق‌های دید را گسترش بخشد و توان ابداع و خلق را بیش از پیش افزایش دهد و این نهایت سرمایه و قدرت است. زیرا هر توسعه‌ای از انسان آغاز می‌شود و بدون شک هدفی را که انسان برای آن تعیین کرده است دنبال می‌کند.

● آینده توسعه جهانی و جایگاه هر کشور در جهان، منوط به ایجاد ظرفیت بالا در کسب، نگهداری و ارتقای سطح علم و دانش نیروی انسانی آن کشور است و این ظرفیت وابسته به جمعیت تحصیل کرده آن کشور است.

● تجربه ژاپن بار دیگر این واقعیت را اثبات نمود که معنای واقعی توسعه را باید در افکار و شخصیت انسان‌ها جستجو کرد. چرا که بدون رشد انسان، پیشرفت اقتصادی و صنعتی و حتی اجتماعی امکان‌پذیر نخواهد بود.

پاورقیها:

1 - Toshiwo Doko

۲ - محمد علی امیری: نقش اساسی آموزش و پرورش در بازسازی و نوسازی ایران، ص ۴۹.

۳ - محمدرضا سرکار آرائی: مطالعه تطبیقی آموزش و پرورش ژاپن و ایران (پایان نامه فوق لیسانس دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تیر ۱۳۷۰) صص ۲۲۵ - ۳۳۱.

۴ - علی وطنی: بررسی عدم اشتغال به تحصیل گروهی از کودکان لازم‌التعلیم، (چکیده پایان نامه فوق لیسانس مدیریت دولتی، مجله مدیریت دولتی، مرکز آموزش مدیریت دولتی، دوره جدید، شماره ۲۰، بهار ۱۳۷۲، صص ۸۵ - ۸۶.

۵ - همان ماخذ.

۶ - بدالله پویان: آموزش و پرورش در آیینہ آمار (فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، معاونت تأمین نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش، شماره مسلسل ۷ پاییز ۱۳۷۰)، صص ۷۸ - ۷۶.

۷ - همان ماخذ.

8 - Human Development Report, 1990, UNDP.

برنامه عمران ملل متحد، گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۰، ترجمه قدرت الله معمارزاده، صص ۳۲ - ۳۳.

9 - Statistical Yearbook, UNESCO, 1991, PP, 1-12-1-37

۱۰ - محمد سلگی: آموزش و پرورش، فرهنگ و توسعه (فصلنامه وقف، میراث جاویدان، سازمان اوقاف و امور خیریه، شال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۷۲) ص ۷۶.

11 - T.V.Schultz.

۱۲ - جان ویزی: اقتصاد آموزش و پرورش، ترجمه محمد برهان‌منش (تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳)، به نقل از همان ماخذ، ص ۷۷.

13 - Hicks.

۱۴ - جرج ساخارویبولوس، مورین وودمال: آموزش برای توسعه، ترجمه پریدخت وحیدی، حمید سهرابی (مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات، سازمان برنامه و بودجه ۱۳۷۰)، ص ۳۲.

15 - Wheeler

۱۶ - Simulation Model: الگوبر

متمم بعد زمان به قسمتی که نتایج یک دوره پیش بتواند در دوره جدید وارد گردد. (منوچهر فرهنگ فرهنگ علوم اقتصادی، تهران، نیل، ۱۳۵۶، ص ۱۱۶۶) به نقل از همان ماخذ ص ۳۴.

17 - Marris (1982)

18 - Jamison and Lau (1982)

۱۹ - همان ماخذ: صص ۳۴ - ۳۵.

20 - Arthur Livingstons: Social Policy in developing countries, Routledge and kegan paul press, 1969.

۲۱ - آرثور لیونگستون: سیاست اجتماعی در

کشورهای در حال توسعه، ترجمه حسین عظیمی مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات. سازمان برنامه و بودجه ۱۳۶۸) به نقل از: محمد سلگی، آموزش و پرورش، فرهنگ و توسعه، صص ۸۴ - ۸۵.

۲۲ - محمدرضا سرکار آرائی: مطالعه تطبیقی

آموزش و پرورش ژاپن و ایران (پایان نامه فوق لیسانس دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تیر ۱۳۷۰) ص ۶۰.

23 - Ohkawa, K. and Rosovsky, H. (1973) Japanese

Economic Growth: Irend Acceleration in the twen tieth century, sranford university press.

به نقل از: مرکز سیاست علمی و پژوهشی: تحول تکنولوژیکی و نظام تحقیقات در ژاپن (تهران - معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی ۱۳۶۹) ص ۲.

24 - Lester Thurow: Head to Head the coming economic battle amonc Japan, Europt and America, William Morrow and Company, INC, NEW YORK 1992.

۲۵ - لستر تارو: رویارویی بزرگ نبرد اقتصادی آینده؛ ژاپن، اروپا و آمریکا، ترجمه عزیز کیاوند (تهران، مؤسسه پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۲)، ص ۵۲.